

## جایگاه حقوق بشر در سیره پیامبر (ص)

دکتر محمدعلی بصیری<sup>۱</sup>

### چکیده

تلاش چندین هزار ساله بشر در راستای دستیابی به حداقل حقوق طبیعی و بنیادی او بوده است تا بتواند به صلح، توسعه و رفاه انسانی دست یابد. در این زمینه فلاسفه، اندیشمندان و پیامبران الهی بیشترین سهم را در تدوین و رشد این حقوق داشته‌اند. از میان انبیاء الهی پیامبر عظیم‌الشان اسلام نقش برجسته و کامل‌تری در این زمینه داشته‌اند. در سیره نظری و عملی پیامبر (ص) خصوصاً در دوره حکومت اسلامی (۱۴ سال) ایشان نقش اصلی را در تدوین و اجرای حقوق بشر در سه حوزه؛ الف) حقوق اساسی بنیادی بشر، ب) حقوق سیاسی - اجتماعی بشر، ج) حقوق اقلیت‌ها، برعهده داشته‌اند.

سؤال اصلی پژوهش این می‌باشد که جایگاه حقوق بشر در سیره پیامبر (ص) چیست؟ نویسنده برای پاسخ به آن به این سؤالات نیز پاسخ داده است: حقوق بشر چه می‌باشد؟ حقوق بشر و انواع آن از منظر پیامبر (ص) چیست؟ عملکرد پیامبر در زمینه حقوق بشر چه بوده است؟

فرض ما در این نوشتار بر این است که پیامبر اعظم (ص) در زمان خود بهترین و کامل‌ترین نوع حقوق بشر را در مورد مسلمانان و غیرمسلمانان مطرح و به اجرا گذاشت. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** حقوق بشر، سیره پیامبر، حقوق اقلیت‌ها، صلح، توسعه

## مقدمه

فلسفه اصلی شکل‌گیری تمدن‌های بشری و دولت‌ها در طول تاریخ تأمین امنیت و رفاه بشر (جامعه) در دو بعد مادی و معنوی بوده است. تأمین این دو مهم، بشر را در دستیابی به صلح پایدار سوق می‌دهد. در بستر تاریخ بشر همیشه دو جریان در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند: ۱- جریان ظلم و بی‌عدالتی که با تجاوز و تهاجم به انسان‌ها حقوق آن‌ها را نقض کرده‌اند. ۲- جریان مبارز و مقابله‌کننده در برابر ظلم و بی‌عدالتی که تلاش کرده حداقلی از حقوق بشر را تأمین نماید. در واقع این دو جریان حامیان و مخالفان حقوق بشر باید نامیده می‌شوند.

اندیشه حقوق بشر و حمایت از آن از قدیم‌الایام در حیطه حقوق طبیعی و بنیادین بوده و از طرف فلاسفه، اندیشمندان، ادیان و پیامبران الهی در شرق و غرب عالم مورد توجه قرار داشته است. در میان گروه حامیان حقوق بشر ادیان الهی و آخرین دین یعنی اسلام و پیامبر خاتم آن یعنی حضرت رسول (ص) نقش برجسته و کامل‌تری را دارا می‌باشد و ریشه‌های اصلی حقوق بشر فعلی عمدتاً از دستورات تعلیمات و آموزه‌های آن‌ها نشئت گرفته است. (شریفیان، ۱۳۸۰: ۵)

ادیان بزرگ الهی و پیامبران آن در تعلیمات، پیام‌ها و دستورات خود در برابر بی‌عدالتی‌های ستمکاران و قدرتمندان غاصب و ناقض حقوق بشر ظهور کرده‌اند و مهم‌ترین بعد رسالت پیامبران استقرار عدالت و تساوی حقوق انسان‌ها و رفع تبعیضات و امتیازات نژادی، طبقاتی، گروهی و صنفی بوده است.

به عنوان نمونه ابراهیم خلیل (ع) علیه نمرود ظهور کرد و تلاش نمود مردم را از عبادت و بندگی هم‌نوع بازداشته و آن‌ها را از قید ستم و ظلم نمرود آزاد کند. موسی بن عمران نیز در مقابل فرعون مدعی خدایی که مردم را به دو دسته ممتاز (پیرو خود) و مستضعف (مخالف خود) تقسیم کرده بود، ظهور کرد و برای دسته دوم که

فرعون برای آن‌ها حقوقی قائل نبود، مبارزه کرد. عیسی بن مریم (ع) نیز در برابر انحراف دینی و استبداد مذهبی گروهی از روحانیون یهود قیام نمود و پیام صلح و دوستی و برابری حقوق انسان‌ها را سرداد. (مه‌پرور، ۱۳۷۷: ۳۰۸)

پیامبر عظیم الشان اسلام نیز در برابر مشرکان و مستکبران جاهلی عربستان قیام نمود و تعلیماتی مبتنی بر برابری، برادری و آزادی انسان‌ها را مطرح کرد. او تمایزات، تبعیضات و انتظارات جاهلی را لغو کرد. اجرای قسط و عدل و احقاق حقوق ضعفا را مطرح نمود و در کتاب جاوید خود قرآن کریم انسان را به عنوان خلیفه و جانشین خدا در زمین معرفی کرد که صاحب تمام حقوق طبیعی، بنیادی، سیاسی، اجتماعی و مدنی است. (آیه لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ)

سؤال اصلی این مقاله این است که حقوق بشر در سیره نظری و عملی پیامبر اسلام (ص) چه بوده است؟

برای پاسخ به سؤال فوق لازم است به سؤالات فرعی ذیل پاسخ داد:

- حقوق بشر چیست؟

- حقوق بشر بنیادی و اساسی از منظر پیامبر اسلام چه می‌باشد؟

- حقوق بشر سیاسی - اجتماعی از دیدگاه پیامبر اسلام چیست؟ و در نهایت

حقوق بشر اقلیت‌ها در دیدگاه حضرت رسول چه بوده است؟

فرض اصلی این نوشتار بر این است که پیامبر اسلام (ص) در طول حیات خود در سیره عملی و نظری به حقوق بشر از حوزه‌های مختلف اشاره و بها داده که مهم‌ترین آن در حقوق بشر اساسی و بنیادی، سیاسی اجتماعی و اقلیت‌ها بوده که به آن‌ها پرداخته می‌شود. تلاش اصلی ما در این نوشتار مبتنی بر گفته پیامبر (ص) است که می‌فرماید: «خدا مردی را که چیزی از ما بشنود و همان طور که شنیده به

دیگران برساند، یاری کند.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۰)



## تعریف حقوق بشر

اگرچه پیرامون تعریف از حقوق بشر و اتفاق بر رژیم و سیستم واحد حقوق بشری در جهان اختلاف زیاد است و این از خصایص مفاهیم کلیدی، در حوزه سیاست و حقوق می‌باشد، ولی به طور کلی با مراجعه به فرهنگ‌های سیاسی و حقوقی می‌توان به تعاریف عام و جامعی دست یافت که نقاط اشتراک دیدگاه‌ها از آن گرفته و نقاط اختلاف کنار گذاشته شده است، از جمله این مصادیق در فرهنگ روابط بین‌الملل است که این‌گونه می‌گوید:

«حقوق بشر (Human Rights) یعنی حمایت از افراد برای اینکه زندگی، آزادی و حمایت برابر قوانین از آن‌ها از طرف دولت یا افراد و گروه‌های خصوصی مورد مداخله خودسرانه یا محدودیت قرار نگیرد. تضييعاتی که در قوانین اساسی و قوانین عادی ملی گنجانیده شده‌اند، به وسیله اقداماتی که از طرف سازمان‌های بین‌المللی برای حمایت از حقوق بشر صورت می‌گیرد، تکمیل می‌شوند. بسیاری از ملت‌ها مراقبت و حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی افراد به عنوان مثال حق اشتغال، حق مراقبت‌های پزشکی، حق بیکاری را نیز از لحاظ اهمیت با مفهوم دیرینه حقوق سیاسی برابر می‌شمارند.» (پستا، ۱۳۷۵: ۴۲۵)

همچنین در فرهنگ سیاسی معاصر نیز حقوق بشر به شرح ذیل مطرح شده است:

«حقوق بشر یکی از چند مفهوم مشابه مانند حقوق مدنی، آزادی‌های مدنی یا حقوق طبیعی است. این حقوق امتیازاتی هستند که هر انسانی باید از آن برخوردار باشد، خواه در نظام حقوقی و قضائی کشور او تأمین شده یا نشده باشد. این‌ها همان چیزهایی است که به صرف انسان بودن به شخص تعلق می‌گیرد و هیچ دولتی نباید مردم کشور خود را از آن محروم سازد. اینکه این حقوق کدامند و چرا چنین است،

از متفکری به متفکر دیگر فرق می‌کند. از جنگ جهانی دوم به بعد چند فهرست نیمه رسمی منتشر شده است. در هر فهرست حقوق بشری از حق آزادی بیان، آزادی مذهب، حق تشکیل خانواده، حق دسترسی به محاکمه عادلانه در امور جزایی، حق دستیابی به آزادی سیاسی و مانند آن سخن در میان است. از دیدگاه فلسفی همه این فهرست‌ها و نهادها از مفهوم حقوق دیرینه قانون طبیعی یا حقوق طبیعی گرفته می‌شود.» (دبرستون، ۱۳۷۵: ۱۱۵-۱۱۷)

با ملاحظه تعاریف فوق باید به این جمع‌بندی اشاره کرد که طرح حقوق بشر به طور رسمی مربوط به قرن ۲۰ خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم می‌باشد، گرچه شروع بحث و مبانی و اصول آن به طول تاریخ بشر باز می‌گردد. از جهت دیگر، آنچه به عنوان حقوق بشر به عنوان حق حیات، حق آزادی بیان و مذهب، حق اشتغال، حق ازدواج، حق دسترسی به محاکم عادلانه مطرح است، همان نقطه مشترک در تعاریف حقوق بشری است که در این مقاله مدنظر قرار می‌گیرد.

به طور کلی می‌توان با توجه به تعاریف فوق مطرح نمود، پیامبر اعظم (ص) در سیره خود در ۱۴۰۰ سال قبل به حقوق بشر در سه حوزه عمده یعنی؛ الف) حقوق اساسی و بنیادی بشر، ب) حقوق سیاسی اجتماعی بشر (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) ج) حقوق اقلیت‌ها (حقوق همبستگی) اشاره کرده‌اند. گرچه می‌توان تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز مطرح نمود، ولی در این نوشتار این تقسیم‌بندی جهت تسهیل در ارائه یک بحث منضبط و منطقی انتخاب شده است. از جهت دیگر شاید آن را بتوان با سه نسل حقوق بشر جهانی مطرح شده بعد از جنگ جهانی دوم تا حدودی منطبق دانست که عبارت بوده‌اند از: ۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ که حقوق مدنی- سیاسی بشر را مطرح کرده است. ۲- میثاق‌های بین‌المللی که حقوق اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی بشر را مطرح کرده است. ۳- میثاق‌های بین‌المللی مکمل که حقوق مدنی و سیاسی بشر را در سطح جهان به صورت حقوق همبستگی بشر مطرح کرده است. (بصیری، ۱۳۸۱: ۲۸۲) گرچه بعضی آن را حقوق جمعی نامیده‌اند، مانند حق توسعه، حق برخورداری از محیط‌زیست سالم، حق صلح ولی این دسته حقوق به طور کلی به استحکام دو نسل اول حقوق بشر می‌انجامد. (ذاکریان، ۱۳۸۰: ۴۳)

با توجه به مطالب فوق حقوق بشر در سیره پیامبر اعظم در سه حوزه فوق‌الذکر قابل بررسی می‌باشد.

### الف) حقوق اساسی و بنیادین بشر در سیره پیامبر اعظم (ص)

گرچه حقوق اساسی و بنیادین بشر امروز دارای تنوع بوده و اندیشمندان و مکاتب حقوقی - سیاسی هرکدام به تعدادی از آن‌ها اشاره کرده و در اسناد و میثاق‌های معاصر نیز به انواعی از آن اشاره کرده‌اند، لیکن پیامبر اعظم اسلام در چهارده قرن قبل به اهم این حقوق به صورت کلی اشاره و در زمان حیات خود در سیره عملی به آن اقدام می‌نمودند. این حقوق عبارتند از:

#### ۱- حق برابری انسان‌ها (مساوات)

یکی از حقوق انسان‌ها که پیامبر (ص) بر آن تأکید داشته و اساس رشد دعوت و اقبال انسان‌ها به دین مبین اسلام گردید، تأکید بر برابری انسان‌ها و مساوات آن‌ها در حقوق الهی - انسانی در جامعه اسلامی است. ایشان با عبارت‌های مختلف بر این حق تأکید و آن را در زمان خود به اجرا می‌گذاشتند. نمونه‌هایی از آن عبارت‌ها به شرح ذیل است:



«ای مردم خدای شما یکی و پدر شما یکی است. همه فرزندان آدمید و آدم از خاک است. هر کس از شما پرهیزکارتر است، پیش خدا بزرگوarter است. عربی بر عجمی جز به پرهیزکاری امتیاز ندارد.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۱۹)

در جای دیگر می‌فرماید: «عادل‌تر از همه مردم کسی است که آنچه برای خود پسندید برای مردم نیز پسندد و آنچه بر خود روا ندارد، بر مردم روا ندارد.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۶۴)

همچنین می‌فرماید: «عدالت نیک است، ولی از زمامداران نیکوتر است.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۶۴)

در جامعه اسلامی دولت باید بر حق برابری، مساوات و عدل تأکید کند، زیرا اساس قوانین اسلامی بر عدل بنیان گذاشته شده است. هر تبعیض‌نژادی، خونی، طبقاتی و نسبی در مکتب پیامبر رد شده همان‌طور که در سیره ایشان مطرح بوده است و آیات قرآنی نازل شده بر ایشان بر آن تأکید دارد. مانند آیه: «ای مردم ما شما را از یک نر و از یک ماده خلق کردیم و شما را در شاخه‌ها و تیره‌هایی قرار دادیم تا شناسانده شوید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکاترین شماست.»<sup>۲</sup> (حجرات: ۱۳)

## ۲- حق احترام به انسان‌ها (کرامت انسان - عدم آزار به انسان)

پیامبر عظیم‌الشأن اسلام در مورد حق احترام به انسان‌ها و کرامت و محترم بودن انسان‌ها و لزوم پرهیز از آزار و اذیت به انسان نیز در سیره نظری و عملی خود تأکید زیاد داشته‌اند و در جامعه جاهلی که انسان حرمت و احترام نداشت، خصوصاً نیمی از جمعیت آنکه زنان بودند به صورت غیرانسانی با آن‌ها برخورد می‌شد و دختران زنده به گور می‌شدند، چنین با صلابت از حرمت انسان بدون توجه به جنسیت، طبقه و نژاد حتی دین و آیین (به صرف انسان بودن) آن را واجب الاحترام و اکرام می‌دانست.

۲. «یا ایها الناس ان خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندا... اتقیاکم»

ایشان می‌فرماید: «خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمارد.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۱۷۷)  
در جای دیگر می‌فرماید: «هر که بزرگ‌تر را محترم ندارد و به کوچک‌تر رحم نکند و به نیکی و اندازد و از بدی باز ندارد، از ما نیست.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۴)  
در زمینه بی‌احترامی و آزار و اذیت انسان می‌فرماید: «آنکه در دنیا مردم را بیشتر آزار دهد، در روز رستاخیز و پیش خدا از همه مردم عذاب وی سخت‌تر است.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۲۱)

در همین زمینه باز می‌فرماید: «ساعت‌های آزار این دنیا ساعت‌های آزار آخرت را به دنبال دارد.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۲۲)

و باز می‌فرماید: «هر آزارگری در جهنم است.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۲۲)  
و نیز می‌فرماید: «بدترین مردم آن کسی است که مردم از بیم شرش گرامیش دارند.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۳۲)

همچنین می‌فرماید: «بدترین همه مردم پیش خدا روز قیامت کسی است که مردم از شر او بترسند.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۳۱)

تأکید بر حرمت و کرامت انسان در احادیث نبوی زمانی مطرح گردید که در جهان آن زمان انسان حداقل کرامت و احترام را داشت و به راحتی کشتار، اسیر و هتک حرمت می‌گردید.

### ۳- حق حیات (حرمت نفس)

در زمینه حق حیات انسان و لزوم احترام به آن نیز در سیره نبوی (ص) تأکید بسیار شده است و با عبارات و الفاظ مختلف حرمت نفس برای انسان خصوصاً مؤمن مطرح شده است، به گونه‌ای که ریختن خون هر انسان خصوصاً مسلمان



به طور ناحق را برابر با نابودی تمام انسان‌ها و حتی خلقت و سزای آن را بقای ابدی در آتش جهنم معرفی نموده‌اند. به عنوان نمونه می‌فرماید:

«نابودی تمام دنیا نزد خداوند راحت‌تر است از ریختن خون یک انسان به طور

ناحق.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۷: ۳۸)

در جای دیگر نیز می‌فرماید: «نابودی دنیا نزد خدا راحت‌تر از قتل یک مرد

مسلمان است.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۷: ۴۱)

و نیز می‌فرماید: «قتل مؤمن نزد خدا بزرگ‌تر است از نابود کردن دنیا.» (محمدی

ری‌شهری، ۱۳۶۷: ۴۱)

بنابراین جان انسان از دیدگاه پیامبر اسلام محفوظ و محترم است. این مسئله نیز

در آیه قرآن اشاره شده که می‌فرماید: «نفسی را که حرام کرده جز به حق به قتل

نرسانید.» (انعام: ۱۵۱)<sup>۳</sup>

حتی آنان که به اعدام محکوم می‌شوند (قصاص مجرمین) جهت حفاظت از حق

حیات انسان در جامعه است، زیرا قاتل با خون‌ریزی حیات جامعه را به هم زده است

و برای پاسخ به دادگستری است که اجرای قصاص می‌شود تا عدالت در مقابله با

قتل و جرم بر پا گردد. (قنوم، ۱۹۸۶: ۳۸۳)

#### ۴- حق آزادی

از حقوق پذیرفته شده در سیره پیامبر (ص) برای بشر حق آزادی است، آزادی که

مرز آن قوانین و حدود اسلامی است. انسان نمی‌تواند با جسم خود هرکاری را به

اسم آزادی انجام دهد. مثلاً عضوی از بدن را قطع کند و یا کرامت انسانی خود را به

اسم آزادی لطمه بزند و یا اعمال خلاف اخلاق به اسم آزادی انجام دهد.

۳. «و لا تقولوا النفس التي حرم... الا بالحق»

در حالی که مفهوم آزادی غربی اشتباه است. مثلاً فرد به اسم آزادی زنا می‌کند و به کرامت انسانی خود لطمه می‌زند و این نوع برداشت از آزادی به این معنی است که فرد با جسم خود هر کاری بخواهد، انجام دهد. چنین برداشتی از آزادی در سیره پیامبر اسلام رد شده است و اساس رسالت پیامبر (ص) برای حمایت از این کرامت بوده است.

حکومت اسلامی پیامبر (ص) در مدینه حقوق فوق را اجرا کرد و ایشان با استناد به آیات قرآن این سیره عملی را اجرا نمود. پیامبر (ص) به اسم حاکمیت الهی بر مردم، قوانین را در همین زمینه اجرا نمود و مطرح می‌کرد. اساس آزادی و دستیابی به حقوق انسانی اطاعت حاکم و مردم از خدا و قوانین آن می‌باشد. (قسم، ۱۹۸۶: ۳۸۵)

## ۵- حق ازدواج و تشکیل خانواده

پیامبر اسلام (ص) اساس و بنیان جامعه را بر شکل‌گیری خانواده و حمایت از آن می‌دانستند و تأکید زیاد بر تشکیل خانواده به عنوان یک حق انسانی می‌نمودند. به گونه‌ای که کمال انسان، دین، دنیا و آخرت او را مدیون ازدواج معرفی می‌کردند. بنیانی که اگر در جامعه لطمه بخورد، افول فرهنگ و تمدن آن مطرح می‌شود. همان گونه که در تمدن‌های گذشته مثل قوم لوط که علت نابودی آن کنار گذاشتن بنیاد خانواده و ارضا شهوت از مسیر غیرانسانی اخلاقی آن بود، چنین تخطی را انجام دادند. مسئله‌ای که امروز در جهان غرب به عنوان آزادی جنسی مطرح و فروپاشی بنیاد خانواده و رشد منفی و پیری جمعیت را در اکثر دول غربی به ارمغان آورده است.

پیامبر اسلام (ص) به اشکال مختلف تأکید بر ازدواج و استفاده از این حق و ترک طلاق را به عنوان تلخ‌ترین حق مطرح می‌نمودند. به عنوان نمونه می‌فرماید: «هیچ بنیانی در اسلام محبوب‌تر و عزیزتر از ازدواج نیست.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲: ۲۷۱)

یا می‌فرماید: «هر کس برای خدا ازدواج کند یا به ازدواج درآورد، مستحق ولایت خداوند است.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲: ۲۷۱)

و نیز می‌فرماید: «ازدواج سنت من است هر که از سنت من روگرداند از من نیست.» (همان، ۲۷۱)

باز می‌فرماید: «اگر انسانی ازدواج کند، نصف دین او کامل شده پس با تقوای الهی نصف دیگر را حفظ کند.» (همان، ۲۷۲)

و نیز می‌گوید: «همسر بگیری، زیرا باعث کسب روزی می‌شود.» (همان، ۲۷۳)  
و در ترک ازدواج می‌گوید: «بدترین مردگان شما مجردین هستند.» (همان، ۲۷۵)  
در مخالفت با طلاق و از هم‌پاشیدگی خانواده (ولو به صورت حق منفور) می‌فرماید: «منفورترین چیزهای حلال در پیش خدا طلاق است.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۵۱)  
و نیز می‌فرماید: «هر زنی که بدون جهت از شوهر خود طلاق خواهد، بوی بهشت بر او حرام است.» (همان، ۳۵۹)

و باز می‌فرماید: «خداوند طلاق را دشمن دارد.» (همان، ۳۵۱)  
با ملاحظه احادیث نبوی می‌بینیم که حق ازدواج و طلاق در اسلام برای بشر محترم شمرده و حتی آن را بنیان و اساس جامعه، فرد و ایمان می‌داند.

## ۶- حق آموزش و تعلیم و تربیت

تأکید پیامبر اسلام (ص) بر تعلیم علم و آموزش به حدی می‌باشد که نه تنها این مسئله را حق هر مسلمان می‌داند، بلکه یک گام جلوتر رفته و به عنوان تکلیف (نقطه مقابل حق) بعضاً از آن یاد کرده است، به گونه‌ای که اساس آبادانی دنیا و آخرت انسان را علم معرفی کرده است. نمونه‌هایی از احادیث نبوی (ص) در این زمینه عبارتند از:



«هیچ کس از من نیست، به جز دانشمند یا دانش آموز.» (پایده، ۱۳۸۴: ۳۷۲)

«عالم از علم خویش سیر نگردد تا سرانجام به بهشت برسد.» (همان: ۳۷۲)

«جستن علم بر هر مسلمانی واجب است و همه چیز حتی ماهیان دریا برای

جویای علم آمرزش می طلبند.» (همان: ۳۷۲)

«جستن علم نزد خدا از نماز، روزه، حج و جهاد در راه خدا عزوجل بهتر است.»

(همان: ۳۷۳)

«از گهواره تا گور دانش بجوی.» (همان: ۳۷۴)

«فضیلت علم بیشتر از فضیلت عبادت است.» (همان: ۳۷۶)

«روز قیامت مرکب دانشوران و خون دانشمندان را هم سنگ کنند و مرکب

دانشوران بر خون شهیدان مرجح شود.» (همان: ۳۷۸)

«مردم دنیا دو دسته اند، عالم و علم آموز در غیر آن ها خبری نیست.» (همان: ۱۷۸)

تأکید پیامبر اسلام (ص) و قرآن بر علم به عنوان حق و تکلیف بود که مسلمانان

حرکت کرده و دوران طلایی شکل گیری تمدن اسلامی را در صدر اسلام شکل دادند

و عدم توجه مسلمانان امروز به علم است که آن ها را ضعیف و تحت سلطه دول

غرب در آورده است.

## ۷- حق مالکیت (حرمت مال)

پیامبر اسلام (ص) در سیره نظری و عملی خود مالکیت مال حلال و مشروع را

برای انسان حق می داند، ولی در آموزه های خود مال اندوزی زیاد و اینکه هدف در

دنیا برای انسان باشد و یا مایه تفاخر و ظلم در حق دیگران گردد، را نفی نموده است.

حق مالکیت و احترام مردم به مالکیت مشروع انسان خصوصاً مسلمان را تا حد



حرمت جان او محترم شمرده است. به عنوان نمونه می‌فرماید: «حرمت مال مسلمان مانند حرمت خون او است.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۱۹۶)

و یا می‌فرماید: «چه خوب است، مال خوب و مشروع برای مرد خوب باشد.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲: ۲۸۲)

و نیز می‌فرماید: «توهین به مؤمن گناه است، قتل او کفر است، خوردن گوشت او معصیت الهی است و حرمت مال او مانند حرمت خون او است.» (همان، ۲۸۲)

مشاهده می‌گردد در اکثر احادیث فوق حق مالکیت مشروع پذیرفته و تعهدی به این حق در حد تعدی به جان انسان تعبیر و نهی گردیده است.

گرچه از سیره نظری و عملی نبوی می‌توان حقوق اساسی و بنیادین دیگر بشری مانند حق محاکمه عادلانه، حق اشتغال و... نیز استنباط نمود، لیکن در این زمینه به همین حد قناعت کرده و به حقوق بشر سیاسی - اجتماعی از منظر پیامبر (ص) می‌پردازیم.

### ب) حقوق سیاسی - اجتماعی بشر (در سیره پیامبر اعظم (ص))

حقوق سیاسی - اجتماعی بشر به آن دسته از حقوق اطلاق می‌شود که بشر به عنوان یک عنصر از جامعه در رابطه با دولت و دیگر نهادهای مدنی مستحق آن می‌باشد. در واقع حقوقی که جامعه و دولت باید در رابطه با او محترم شمرده و در این زمینه مساعدت کرده تا از آن منتفع گردد. این مجموعه نیز در سیره نبوی به اشکال مختلف مورد پذیرش و تأکید قرار گرفته‌اند.

## ۱- حق عدالت اجتماعی (برپایی قسط و دادگری میان مردم)

از منظر پیامبر (ص) حقوق سیاسی - اجتماعی انسان‌ها در جامعه این است که حاکم و دولت، عدالت اجتماعی برپا داشته و قسط و دادگری در میان آن‌ها اجرا نماید و کوتاهی در آن شدیدترین مجازات‌های اخروی را در انتظار دارد. به عنوان نمونه حضرت می‌فرماید: «اولین کسی که وارد جهنم می‌شود، حاکمی است که به عدل رفتار نکرده است.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲: ۹۰)

و نیز می‌فرماید: «کسی که حاکم ده نفر باشد و بین آن‌ها به عدالت رفتار نکند، روز قیامت دست‌ها و پاها و سر او در حلقه‌ای از آتش گرفتار است.» (همان: ۹۰)

و همچنین می‌فرماید: «یک ساعت به عدالت حکم کردن بهتر از هفتاد سال عبادت است.» (همان: ۷۹)

و باز می‌فرماید: «خوشا آنکه سبک‌سری نکند و فزونی بخشد و به عدالت عمل کند.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۶۴)

همچنین آیات متعددی از قرآن به برپایی قسط و عدل از جانب پیامبر اشاره می‌کند. مانند:

«بگو (ای پیامبر) پروردگرم به من دستور (برپایی) قسط و دادگری داده است.» (اعراف: ۷)

«مرا فرمان داده‌اند تا در میان شما به عدالت و داد رفتار کنم.»<sup>۵</sup> (شوری: ۴۲)

بنابراین اجرای عدالت و قسط اجتماعی از حقوق سیاسی - اجتماعی بشر است که دولت و حاکم اسلامی باید به آن پایبند باشد.

۴. «قل امر بی بالقسط»

۵. «امرت لاعدل بینکم»

## ۲- حقوق ضعفا و فقیران

پیامبر اسلام به پرداخت حق ضعفا از طرف جامعه و دولت تأکید می‌نماید. در این زمینه می‌فرماید: «خداوند ملتی را که حق ضعیفان خود را نمی‌دهد، تقدیس نمی‌کند.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۵۵)

و نیز می‌گوید: «خداوند مردمی را که حق ضعیفان را از نیرومندشان نگیرند، چگونه تقدیس کند.» (همان: ۳۵۵)

و نیز می‌فرماید: «وسیله نزدیک شدن به خدا دوست داشتن مستمندان و نزدیک شدن به ایشان است.» (حکیمی، ۱۳۸۴: ۷۵)

بنابراین، پرداخت حق ضعفا از وظایف حاکم و جامعه است که امروز در قالب حق شکل اجتماعات و سندیکاها، صنفی و حرفه‌ای از طرف حقوق بشر پذیرفته شده تا از طرف این نهادها بتوان از حقوق این قشر (کارگر، کشاورز، طبقات زحمت‌کش و ضعیف) حمایت نمود.

## ۳- حقوق زنان

زن به عنوان یک عضو خانواده و رکن اصلی آن از طرف شوهر و حمایت دولت دارای حقوقی مانند: نفقه، مهریه، ارث و حضانت فرزندان است که از طرف پیامبر اسلام (ص) بر این حقوق نیز تأکید گردیده است که باید محترم شمرده شود. مثلاً حضرت (ص) می‌فرماید: «حق زن بر شوهر آن است که وقتی غذا خورد به او بخوراند و وقتی لباس پوشید به او بپوشاند و به صورت او نزنند و به او بد نگویند و جز در خانه از او دوری نگیرند.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۲۹۶)

و نیز می‌فرماید: «درباره زنان از خدا بترسید که آن‌ها پیش شما اسیرند.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۲۹۶)

## ضمیمه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان

همچنین می‌گوید: «گناهکاری مرد همین بس که عیال خویش را بی تکلیف گذارد.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۰۰)

و باز می‌فرماید: «خداوند شما را درباره زنان به نیکی سفارش می‌کند، زیرا زن‌ها مادران و دختران خاله‌های شما هستند.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۰۳)

می‌فرماید: «بهترین شما کسانی هستند که برای زنان بهترین‌اند.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۰۴)

مجموعه احادیث فوق تأکید بر حقوق زن به عنوان یک عضو خانواده و ستون اصلی بقای نسل و جامعه دارد و نباید مرد حقوق او را به دلیل ضعف جسمانی رعایت نکند.

### ۴- حقوق کودکان

از دیدگاه پیامبر اسلام (ص) کودکان به عنوان اعضا خانواده و ثمره زندگی زناشویی نیز دارای حقوقی از جمله تعلیم و تربیت بوده که باید از طرف والدین و حتی دولت محترم شمرده شود. مثلاً حضرت می‌فرماید: «فرزندان خود را گرامی شمارید و نیکو تربیتشان کنید.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۹۵)

و نیز می‌فرماید: «از جمله حقوق فرزند بر پدر آن است که او را نوشتن آموزد و نام او را خوب انتخاب کند و هنگام بلوغ به او زن بدهد.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۹۴)

همچنین می‌فرماید: «حق پسر بر پدر آن است که نام او را نیک و جای او را نیک و ادب او را نیک کند.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۹۴)

### ۵- حق آزادی بیان

آزادی به طور کلی و انواع آن مانند آزادی اجتماعات، عقیده و خصوصاً بیان امروز پذیرفته شده و باید در چارچوب و محدوده قوانین وضع شده یک جامعه باشد، زیرا





اگر آزادی به طور مطلق باشد منجر به آنارشیزم و هرج و مرج می‌گردد و اگر بخواهد بر اساس سلیقه و گرایش‌های فردی و گروهی محدود و تعریف شود، منجر به تبعیض و استبداد می‌شود. به عبارت دیگر، افراد در بیان آزاد هستند تا وقتی که به حقوق دیگران که توسط قوانین مشخص شده تعدی و تجاوز نکنند و این آزادی عادلانه می‌باشد. به عبارت دیگر آزادی، مبتنی بر عدالت (در چارچوب) قرار دارد و بی‌حد و حصر نیست. این چارچوب قانون است و آزادی عادلانه همان «آزادی قانونی» است. (راسخ، ۱۳۸۰: ۱۳۱)

پیامبر اسلام (ص) نیز آزادی بیان را در چارچوب قوانین اسلام می‌دانند، یعنی خوب و بد جامعه که توسط قوانین اسلامی مطرح شده و اگر فرد، گروه و یا حتی دولتمردان و دولت از آن فاصله بگیرند، خود و جامعه را به خطر می‌اندازند. افراد آزاد هستند در این مورد آزادانه آن را تذکر دهند. این مقوله در قالب امر به معروف و نهی از منکر که میزان معروف و منکر در جامعه همان قوانین موضوعه اخلاقی و عرف اسلامی است، می‌باشد. حتی شرایط این امر و نهی را، نیز قانون مشخص کرده که همان «آزادی قانونی» است؛ یعنی افراد مسلمان در چارچوب این قوانین آزادانه می‌توانند ابراز نظر کرده و تا حد امر و نهی پیش بروند. در این مورد حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «هرکس از شما ناشایسته‌ای ببیند، به دست خویش مانع آن شود و اگر نتواند به زبان و اگر نتواند به دل مانع شود که حداقل ایمان همین است.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۶۶)

باز می‌فرماید: «آنکه به کار نیک فرمان می‌دهد، مانند کسی است که آن را انجام می‌دهد.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۶۵)

همچنین می‌گوید: «گفتار فرزند آدم به ضرر اوست، نه به نفع او مگر امر به معروفی و یا نهی از منکری یا ذکر خدای والا باشد.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۶۵)



همچنین می‌فرماید: «امر به معروف کنید و گرچه خودتان نکنید و نهی از منکر کنید، گرچه از همه اجتناب نکنید.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۶۵)

و نیز می‌فرماید: «به نیکی و ادارید و از بدی باز دارید و گر نه خدا بدانان را بر شما مسلط کند و نیکانتان دعا کند و استجابشان نکنند.» (پاینده، ۱۳۸۴: ۶۶)

به طور کلی حق آزادی بیان از منظر حضرت رسول (ص) مانند حقوق بشر فعلی در چارچوب قوانین پذیرفته است و به آن در قالب امر به معروف و نهی از منکر جهت حفظ سلامت فرد و جامعه و فرد و دولت تأکید شده است.

### ج) حقوق اقلیت‌ها

اقلیت‌ها در جامعه اسلامی زمان پیامبر (ص) به اهل ذمه معروف می‌باشند. غیر اهل کتاب یا اهل کتابی که طبق قراردادی به نام «قرارداد ذمه» دارای حقوق سیاسی، اجتماعی و دینی می‌گردیدند. تعریف قرارداد ذمه به این صورت است که: «قرارداد ذمه عهد و پیمانی است که بر مبنای قانون جزیه و آزادی اراده طرفین، بین جامعه اسلامی و افراد و یا گروه‌های اهل کتاب مقیم در سرزمین اسلامی جهت فراهم آوردن یک محیط امن برای همزیستی و تفاهم منعقد می‌گردد.» (آریایی، ۱۳۸۰: ۴)

در مورد حقوق اقلیت‌ها پیامبر (ص) فرمود: «آگاه باشید کسی که به معاهدی (هم پیمان غیرمسلمان) ستم کند و پیمانش را بشکند و یا او را به کاری بیش از قدرت و امکانش وا دارد و یا از او چیزی بدون رضایت خاطرش بگیرد. من در روز قیامت او را به محاکمه و بازخواست خواهم کشاندم.» (ابن داود، بی‌تا: ۲۳۱)

نیز پیامبر (ص) می‌فرماید: «کسی که فردی از ذمیان را بیازارد، از من و پیروان من

نیست.» (زحیلی، بی‌تا: ۷۲۹)



به طور کلی سیره و روش رسول خدا (ص) چنین بود که به پیمان با اهل ذمه پایبند بود. چنانکه با بنی قینفاع و بنی قریظه و سایر قبایل یهود معاهده بست و عهد خود را نشکست تا آنکه معاهدینش آن را نقض کردند و به همین صورت در پیمان حدیبیه که با مشرکان قریش پیمان بسته بود، عمل کرد. به طور کلی حقوق اقلیت‌ها در سیره پیامبر اعظم (ص) را می‌توان به شرح ذیل اشاره کرد:

### ۱- حق آزادی برپایی شعائر دینی و مراسم ویژه اقلیت‌ها

سیره و روش پیامبر (ص) در برخورد با اهل کتاب در منشور مدینه، مبنی بر ابقای معابد و آزادی دینی یهودیان و مسیحیان بوده است. (ابن هشام، بی‌تا: ۱۴۳) همچنین تأکید پیامبر (ص) بر رفتار نیک و عطف و مهربانی با پیروان سایر ادیان بوده است. به طور قاطع می‌توان گفت پیامبر اسلام (ص) به سلب آزادی اجرای مراسم دینی و برپایی شعائر مذهبی اهل کتاب مخالفت می‌نمایند. (ابن هشام، بی‌تا: ج ۴، ۲۵۳)

### ۲- برخورداری اقلیت‌ها از حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

روش عملی پیامبر اکرم (ص) در رابطه با یهودیان و مسیحیان متحد خویش نمونه بارز و آشکاری در آزادی برخورداری آن‌ها از حقوق و مزایای اجتماعی - اقتصادی است. پیامبر با یهودیان مدینه داد و ستد می‌کرد و از آنان وام می‌گرفت، از یک نفر یهودی همیشه قرض می‌کرد. (مجلسی، بی‌تا: ج ۱۸، ۱۵)

رسول خدا (ص) وقتی که از دنیا رفت، سپرش در گرو یک یهودی بود. (مجلسی، بی‌تا: ج ۱، ۴۶) پیامبر از یک یهودی تقاضای خرید «سلف» کرد. (مجلسی، بی‌تا: ج ۱، ۲۱) پیامبر در زراعت زمین‌های خیبر با یهودیان شریک می‌شد. (جزویه، بی‌تا: ج ۱، ۱۸۳)

سنت پیامبر (ص) در رفتار با اقلیت‌ها به شرح ذیل است: دیدار پیامبر (ص) با یهودیان بعد از تشکیل دولت در مدینه انجام گرفت که نیمی از ساکنان مدینه را سه طایفه (بنی قریظه، بنی مطلق و بنی قینقاع) تشکیل می‌داد. پیامبر (ص) در نخستین روزهای ورود خود به مدینه دولت تشکیل داد و برای تأمین امنیت شهر به تشکیل یک دولت فدرال با تدوین قانون اساسی (که نخستین قانون مدون دنیا به حساب می‌آید) به نام «صحیفه» یهود را به عنوان یک ملت مستقل به رسمیت شناخت و همه حقوق شهروندی را در ۲۴ ماده برای یهودیان در نظر گرفت. (الخلیلی، ۱۳۹۰: ۳۲ - ۲۵)

به اعتراف غالب صاحب نظران حقوقی این وثیقه (صحیفه) و پیمان‌نامه دو طرفه معتبرترین متون حقوقی و قانونی است که در دنیای قدیم به ثبت رسیده است و حتی بالاتر از قانون اساسی دوم روم است. (حمید... بی‌تا: ۴۱) ولی متأسفانه یهود اقدام به بدرفتاری و پیمان‌شکنی کرده و توطئه‌هایی برخلاف پیمان انجام دادند، از جمله توطئه قتل محمد (ص) با همکاری قریش و نیز جنگ‌افروزی علیه مسلمانان که به دنبال آن پیامبر (ص) با مشورت مسلمانان آن‌ها را از حجاز و مدینه بیرون کرد و شهر را از لوٹ آن‌ها پاک ساخت و سیاست (یک دین و یک دولت) را پیاده کرد و فرمود: «دو دین در سرزمین عرب جمع نمی‌شود.»<sup>۶</sup>

سیره عملی دیگر پیامبر (ص) در برخورد با اقلیت‌های دینی امضا و پیمان‌نامه با مسیحیان نجران است. حضرت (ص) پیمان‌نامه‌ای را با انصار نجران امضا کرده و در ۱۰۵ فقره همه قوانین و حقوق مدنی آن‌ها را به رسمیت شناخته و آنان را متحد کشور خود و عضو جامعه بزرگ اسلامی به حساب آورده است. برخی از فقرات زیبا و جالب آن پیمان‌نامه چنین است:

۶. «لا یجتمع دینان فی ارض العرب»



«از این رو، بر من لازم است که حال آنها را رعایت کنم و از هر بدی محفوظ دارم تا هیچ آسیبی به آنها نرسد و در هر شهری که حضور دارند، اذیت و آزار جهادگران از قبیل غارت اموال و باج‌گیری را از آنان دور سازم. نباید آنها را به کاری، اجبار و اکراه کرد و استتقی را از کار دینی خود بازداشت. نباید احدی از آنها را به پذیرش اسلام مجبور ساخت تا به اکراه دست از مذهب خود بردارد. به دستور قرآن با اهل کتاب به روش نیکو صحبت کنید و به آنها محبت بورزید و در هر کجا و در هر شهری که سکنی گزیدند، اذیت و آزار و هر نوع بدی را دور سازید. اگر بر فردی مسیحی جنایتی رود، بر مسلمانان است که او را یاری دهند از او دفاع کنند نه مطرود شوند و نه حششان ضایع گردد و یا در جامعه مهمل و بی‌مصرف رها شوند، زیرا من با آنها پیمان دارم و عهد خداوند را ضمان کرده‌ام که هر چه بر مسلمانان از خوب و بد روا باشد، بر آنان نیز روا گردد. آنچنان پیمانی که هر مسلمانی الزام دارد، آن را رعایت کند و آنچنان محترم باشند که شریک مسلمانان بمانند و در شهروندی از همه حقوق و مزایا بهره‌مند گردند. (حمید...، بی‌تا: ۷-۱۵۳)

### ۳- تساوی حقوق مدنی و دینی اقلیت‌ها با مسلمانان

پیامبر اسلام (ص) با عقد معاهده با یهودیان، مسیحیان و مجوسیان آنها را به عضویت جامعه اسلامی در آورد و از حقوق مساوی در برابر قانون و دیگر مزایای شهروندی بهره‌مند نمود. این برابری حقوقی به این صورت بود که در واقع مسلمانان با پرداخت مالیات و کمک‌های مالی به دولت مرکزی از طریق خمس، زکات و صدقات از امنیت کشوری برخوردار بودند و غیرمسلمانان نیز با پرداخت «جزیه» (یک نوع تعهد مالی) از امنیت و آزادی (دینی) و حقوق مدنی برخوردار می‌گردیدند.

در اینجا حقوق اسلامی به عنوان یک اصل حافظ جان، مال، حیثیت و آزادی دینی همه شهروندان اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان می‌گردید. اگرچه حقوق اسلامی در رفتار با اتباع مسلمانان و غیرمسلمانان تفاوت‌هایی قائل است، ولی در مواردی وضع غیرمسلمانان حتی بهتر است. مثلاً:

آن‌ها از پرداخت مالیات‌های متعدد (مسلمانان) معافند و فقط یک مالیات (جزیه) می‌دادند.

از خدمت نظام (لشکری) معافند، ولی مسلمانان باید خدمت نظام بروند. از نوعی خودمختاری برخوردارند.

دعاوی آن‌ها به دادگاه (کشیشان) بر طبق احوال شخصیه خودشان حل و فصل می‌شود.

جان و دارایی آن‌ها از طرف دولت اسلامی محافظت می‌شود.

جزیه فقط به مردان آن‌ها نه زنان و صغیران تعلق می‌گیرد.

نابینیان، صدقه‌گیران، راهبان و سالخورده‌گان آن‌ها که از کار افتاده‌اند از جزیه معافند.

آن‌ها در تمام مناصب اداری، حکومتی حتی تا وزارت (طبق نظر ماوردی، شافعی و ابوالعلی فراء حنبلی) می‌توانند رشد کنند، ولی باید تصمیم‌گیری با مسلمانان باشد، (در دولت فاطمیان و آل بویه در ایران اهل کتاب یهودی، مسیحی و زرتشتی به این مناصب رسیدند). (آرنولد، ۱۳۵۸: ۴۹)

قبرستان و مردگان غیرمسلمانان مانند مسلمانان محترم است.

می‌توانند قرآن مجید و احادیث پیامبر یا فقه اسلامی را بیاموزند و نمی‌توان آن‌ها را منع کرد.

در صورت لزوم حاکم اسلامی باید از بیت‌المال آن‌ها را نیز تأمین کند.  
کتب آسمانی آن‌ها محترم و نمی‌توان به آن تعرض کرد. المقریزی می‌گوید:  
«پیامبر در اثنای جنگ خیبر فرمان داد، تمام نسخ تورات که غنیمت گرفته شده بود  
را به یهودیان مغلوب مسترد کنند.» (حمید، ...، ۱۳۶۳: ۲۱۵)

ملاحظه می‌گردد حقوق اقلیت‌ها نه تنها با مسلمانان برابر که بعضاً بهتر نیز  
می‌باشند. (ثقفی، ۱۳۸۰: ۸۶) بنابراین، مجموعه سومی از حقوق بشر که در سیره پیامبر  
(ص) به آن‌ها بها داده شد، شبیه نسل سوم حقوق بشر فعلی که به نام حقوق  
جمعی (با حقوق همبستگی) نامیده می‌شود و شامل حقوق کلیه شهروندان اعم از  
مسلمانان و غیرمسلمانان (تحت حاکمیت دولت اسلامی) را شامل می‌گردد و شامل  
همان حقوقی است که قبلاً اشاره گردید، از قبیل حق صلح، حق توسعه، حق داشتن  
محیط زیست سالم و غیره در واقع باید گفت به نوعی در سیره نظری و عملی پیامبر  
اسلام مبانی و اصول کلی آن پذیرفته شده و به طور کلی مبانی و اصول سه نسل  
حقوق بشر فعلی در صدر اسلام مطرح و اجرا گردیده است.

### نتیجه‌گیری

به طور کلی در این مقاله مطرح گردید که حقوق بشر گرچه ریشه چندین هزار  
ساله در تاریخ بشر داشته و اندیشمندان و فلاسفه تلاش عمده در تدوین و اجرا  
آن داشته‌اند، ولی انبیاء بیشترین سهم را در این مورد داشته‌اند. پیامبر اسلام (ص)  
به عنوان آخرین پیامبر کامل‌ترین شکل حقوق بشر را در سطوح مختلف از جمله  
حقوق اساسی و بنیادی بشر (مدنی - سیاسی) و حقوق سیاسی - اجتماعی (اقتصادی،  
اجتماعی و فرهنگی) و حقوق اقلیت‌ها (حقوق جمعی یا همبستگی) به طور مبسوط

## ضمیمه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان

در سیره نظری و عملی خود در ۱۴ قرن قبل به آن پرداخته و آن را اجرا نموده‌اند. در این نوشتار، با اشاره به دوره حاکمیت ۱۴ ساله دولت اسلامی ایشان نمونه‌های متنوعی از این حقوق را در سیره نظری و عملی پیامبر (ص) مطرح گردید که به اجرا درآمده است که نمونه‌ای اندک از تجلی بشردوستی پیامبر رحمت العالمین است که می‌تواند الگوی عملی برای ملت‌ها و دولت‌های مسلمان و غیرمسلمان باشد. اگرچه بحث و تحقیق در این زمینه جای بسیار دارد و طرح جوانب مختلف سیره پیامبر اعظم (ص) در زمینه حقوق بشر در قالب یک مقاله بسیار ناقص و کم می‌باشد، ولی طرح آن حداقل می‌تواند زمینه‌ساز برداشتن گام‌های بزرگ‌تر توسط محققین، صاحب‌نظران و اندیشمندان علاقه‌مند به مطالعات حقوقی بشر اسلامی در آینده باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع و مأخذ

قرآن کریم

ابن هشام (بی تا) سیره، بی جا، ج ۲ و ۴.

ابی داوود (بی تا) سنن، بی جا، ج ۳.

الخلیلی، جعفر (۱۳۹۰) موسوعه العتبات المقدسه - قسم المدینه المنوره، ج ۱، بغداد: دارالتعارف.

آرنولد، توماس (۱۳۵۸) تاریخ گسترش اسلام، ترجمه دکتر ابولفضل عزتی، دانشگاه تهران. آریایی، جعفر (۱۳۸۰) «حقوق متقابل مسلمانان و اهل کتاب»، مجموعه مقالات همایش بین المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، قم: دانشگاه مفید.

بصیری، محمدعلی (۱۳۸۱) «جهانی شدن، حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۵۶.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۴) نهج الفصاحه مجموعه سخنان و خطبه‌های رسول اکرم (ص)، قم: نشر پرهیزکار، چاپ دوم.

پستا، حسن (۱۳۷۵) فرهنگ روابط بین الملل، تهران: فرهنگ معاصر.

ثقفی، سیدمحمد (۱۳۸۰) «رابطه دولت مدینه با اقلیت‌های دینی»، مجموعه مقالات همایش بین المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، قم: دانشگاه مفید.

جوزیه، ابن مقیم (بی تا) احکام اهل الذمه، ج ۱ و ۲، بی جا.

حکیمی، محمدرضا، محمد و علی (۱۳۸۴) الحیات، ترجمه احمد آرام، چاپ پنجم، قم: دلیل ما.

حمید ا...، محمد (۱۳۷۳) حقوق روابط بین الملل در اسلام، ترجمه دکتر سیدمصطفی محقق داماد، ج ۱، دفتر نشر علوم اسلامی، تهران.

## ضمائم مطالعاتی صیانت از حقوق زنان

- حمید ا...، محمد (بی تا) الوثائق السياسه، بیروت: دارالارشاد.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۰) «فرایند یکپارچگی نسل‌های حقوق بشر»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۵۸-۱۵۷.
- رابرتسون، دیوید (۱۳۷۵) فرهنگ سیاسی معاصر، ترجمه عزیز کیاوند، تهران: نشر البرز.
- راسخ، محمد (۱۳۸۰) «آزادی چون ارزش»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، قم: دانشگاه مفید.
- زحیلی (بی تا) آثار الحرب، بی جا.
- شریفیان، جمشید (۱۳۸۰) راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- قسوم، عبدالرزاق (۱۹۸۶) «حقوق الامه الاسلامیه، واجبات الدوله الاسلامیه»، مقالات المؤتمر الرابع للفکر الاسلامی فی طهران، معاونیه العلاقات الدولیه فی منظمه الاعلام الاسلامی، سبهر، طهران، ص ب، ۱۳۱۳/۱۴۱۵۵.
- مجلسی، محمدباقر (بی تا) بحار الانوار، ج ۱ و ۱۸، بی جا.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲) میزان الحکمه، المجلد الرابع، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۷) میزان الحکمه، المجلد الثامن، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲) میزان الحکمه، المجلد التاسع، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲) میزان الحکمه، المجلد السادس، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴) نظام حقوق زن در اسلام، چاپ چهل و یکم، تهران: صدرا.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۷) نظام بین‌الملل حقوق بشر، تهران: انتشارات اطلاعات.



# مبانی اسلامی صلح پایدار در مقایسه تطبیقی با نظریات جریان اصلی در روابط بین الملل

دکتر حسین پورا احمدی<sup>۱</sup>

دکتر عبدالله مرادی<sup>۲</sup>

## چکیده

دستیابی به صلح در روابط میان کشور از دیرباز از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های نظریات روابط بین‌الملل بوده است. هر یک از این نظریات با بهره‌مندی از مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی متمایز خود بر اصول و اهداف متفاوتی در رویکرد به نظام جهانی و نحوه دستیابی به صلح استوارند. اسلام اما به عنوان یک دین که از ویژگی‌های معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی فراتر از هر موردی می‌باشد، متفاوت از نظریه‌های عمده روابط بین‌الملل یعنی لیبرالیسم، رئالیسم، مارکسیسم و... به حیات سیاسی - اجتماعی انسان‌ها در عرصه‌های ملی و بین‌المللی می‌نگرد. بدین لحاظ می‌توان قواعد رفتاری، تحلیلی و فرآیندی به صلح را از مفاد کلان و همه‌جانبه این دین جامع استخراج نمود. این مقاله، با طرح این سؤال که «رویکرد فرآیندی اسلام به صلح در روابط بین‌الملل چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟» تلاش دارد، الگوی فرآیندی اسلام به صلح و ویژگی‌های آن را توضیح دهد. فرضیه این نوشتار پژوهشی آن است که: «رویکرد فرآیندی اسلام به صلح مبتنی بر تلاش در دستیابی به همزیستی مسالمت‌آمیز می‌باشد و ظرفیت‌های گفتمانی اسلام را می‌توان به عنوان مبادی

۱. دانشجویار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه شهیدبهبشتی - h-pourahmadi@sbu.ac.ir

۲. دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل - moradi.abdollah@gmail.com